

منعت معدن تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منعت معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منعت »
مدیرمسئول: عاطفه خسروی
سازمان آگهی‌ها: ۰۵۲۸۸-۸۸۱-۰۶-۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com
تلفن: ۰۸۲(داخلی-۱۰۸)
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۰۵۲۸۸-۸۸۱
تهران، خیابان قائم مقام فرهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com https://ble.ir/smtnews info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eita.a.com/smtnews
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو توافقی مطبوعات



فاصله معنادار کیفیت تولید در ایران با کشورهای صنعتی

کیفیت تولیدات صنعتی در ایران یکی از موضوعات کلیدی توسعه اقتصادی و صنعتی کشور به شمار می‌آید. در دهه‌های اخیر، با گسترش صنایع مختلف مانند خودروسازی، فولاد، پتروشیمی، لوازم خانگی و صنایع غذایی، توجه به کیفیت به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در رقابت‌پذیری محصولات داخلی اهمیت بیشتری یافته است. بسیاری از واحدهای صنعتی کشور تلاش کرده‌اند با بکارگیری استانداردهای ملی و بین‌المللی، استفاده از فناوری‌های نوین و آموزش نیروی انسانی، سطح کیفیت تولیدات خود را ارتقا دهند. با این حال، هنوز فاصله قابل توجهی میان کیفیت برخی از تولیدات داخلی و استانداردهای جهانی وجود دارد.

موانع و چالش‌های تحقق ارتقای کیفیت

تحقق ارتقای کیفیت در تولیدات صنعتی ایران با موانع و چالش‌های متعددی روبه‌روست که ریشه در عوامل اقتصادی، مدیریتی، فناوریانه و فرهنگی دارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات، کمبود منابع مالی و سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش تولید است. نوسانات اقتصادی، تورم و افزایش هزینه مواد اولیه باعث شده بسیاری از صنایع توان نوسازی تجهیزات یا استفاده از فناوری‌های پیشرفته را نداشته باشند و ناچار به کاهش هزینه‌ها از طریق چشم‌پوشی از کیفیت شوند.

از سوی دیگر، ضعف در زیرساخت‌های فناوریانه و کم‌توجهی به تحقیق و توسعه (R&D) مانع جدی در مسیر ارتقای کیفیت محسوب می‌شود. در بسیاری از واحدهای صنعتی، بخش تحقیق و توسعه جایگاه واقعی خود را ندارد و به دلیل استفاده از ماشین‌آلات فرسوده و فناوری‌های قدیمی، محصولات نهایی از استانداردهای جهانی فاصله دارند. مشکلات مدیریتی نیز سهم بزرگی در این وضعیت دارند. در برخی صنایع، نظام مدیریت کیفیت تنها

راهکارهای رفع مشکلات

رفع این مشکلات نیازمند نگاهی سیستمی، سیاست‌گذاری پایدار، سرمایه‌گذاری در فناوری و آموزش، و ترویج فرهنگ کیفیت در تمام سطوح صنعت است. تنها در این صورت می‌توان امید داشت که کیفیت به مزیت رقابتی پایدار برای تولیدات صنعتی ایران تبدیل شود. از سوی دیگر، یکی از الزامات اصلی برای بهبود کیفیت تولیدات صنعتی، ایجاد و استقرار نظام‌های مدیریت کیفیت مانند ISO ۹۰۰۱، کنترل دقیق مواد اولیه، نظارت مستمر بر فرآیند تولید، و توسعه تحقیق و توسعه (R&D) در کارخانه‌ها است. همچنین، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های روز، بروزرسانی تجهیزات و ارتقای مهارت نیروی انسانی از

سقف کیفیت تولید در ایران و جهان

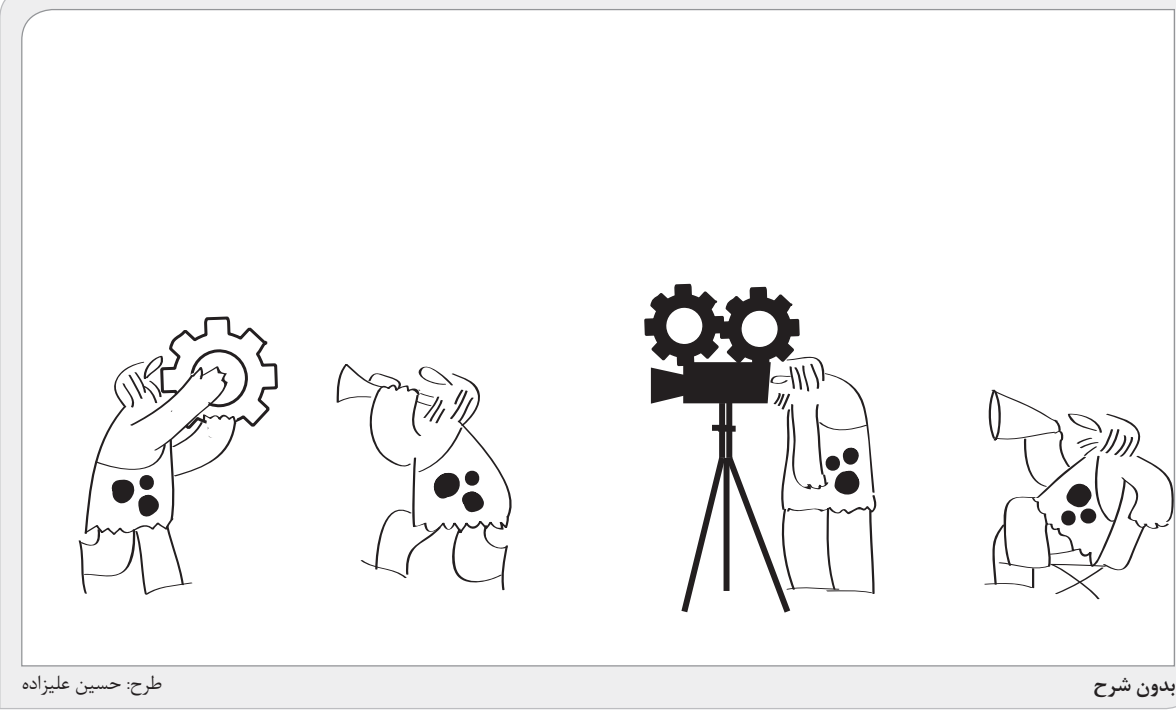
«سقف کیفیت تولید» مفهومی است که به حداکثر سطح استانداردها، فناوری، و دقت در فرآیندهای تولید اشاره دارد؛ سطحی که فراتر از آن، بهبود کیفیت تنها با هزینه‌های بسیار زیاد یا نوآوری‌های بنیادین ممکن می‌شود. مقایسه سقف کیفیت تولید در ایران و جهان، نشان‌دهنده شکاف قابل توجهی میان صنایع داخلی و پیشرفته‌ترین صنایع جهانی است. در سطح جهانی، کشورهای صنعتی مانند آلمان، ژاپن، کره‌جنوبی و ایالات‌متحده توانسته‌اند با تکیه بر فناوری‌های نوین، اتوماسیون، هوش مصنوعی، تولید هوشمند و کنترل کیفیت دقیق در تمام مراحل تولید، به بالاترین سطح کیفیت دست یابند. در این کشورها، کیفیت نه‌فقط یک شاخص فنی بلکه بخشی از فرهنگ سازمانی است. شرکت‌ها سیستم‌های جامع مدیریت کیفیت مانند TQM، Six Sigma، Lean Manufacturing و استانداردهای دقیق بین‌المللی را اجرا می‌کنند تا خطا، ضایعات و نقص‌ها را به‌حداقل برسانند. نتیجه این رویکرد، محصولاتی با دوام بالا، عملکرد دقیق و اعتماد جهانی است.

در ایران، هرچند در برخی صنایع مانند پتروشیمی، فولاد، سیمان و داروسازی پیشرفت‌های چشمگیری حاصل شده، اما سقف کیفیت تولید هنوز پایین‌تر از سطح جهانی پیشرفت‌های کشورهای مختلف جهان تفاوت چشمگیری دارد و این تفاوت به عواملی مانند سطح توسعه صنعتی، سرمایه‌گذاری در فناوری، نظام آموزشی، فرهنگ کاری و میزان توجه به تحقیق و توسعه (R&D) بستگی دارد. به طور کلی، کشورها را می‌توان از نظر کیفیت تولید به سه گروه اصلی تقسیم کرد: کشورهای دارای کیفیت تولید بالا، کشورهای با کیفیت متوسط و در حال رشد و کشورهای با کیفیت پایین‌تر.

در گروه نخست، کشورهایی مانند آلمان، ژاپن، سوئیس، کره‌جنوبی، ایالات‌متحده و سوئد قرار دارند که به عنوان الگوهای جهانی در زمینه کیفیت شناخته می‌شوند. آلمان با مهندسی دقیق و صنایع خودروسازی و ماشین‌سازی پیشرفته، نماد کیفیت صنعتی در جهان است. ژاپن با بهره‌گیری از فلسفه «کایزن» و تولید ناب، کیفیت را در تمام مراحل تولید نهادینه کرده است. سوئیس در صنایع دقیق مانند ساعت‌سازی، داروسازی و تجهیزات پزشکی، شهرت جهانی دارد. کره‌جنوبی نیز با تمرکز بر فناوری‌های نو و آموزش نیروی انسانی، در حوزه‌هایی مانند الکترونیک و خودروسازی به سطح بالایی از کیفیت دست یافته است. در کنار این کشورها، ایالات‌متحده در صنایع هوافضا، فناوری‌های پیشرفته و داروسازی از رهبران اصلی کیفیت تولید محسوب می‌شود.

سخن پایانی

در مجموع، ارتقای کیفیت تولیدات صنعتی در ایران نیازمند برنامه‌ریزی جامع، حمایت‌های دولتی هدفمند، تقویت بخش خصوصی و افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت کیفیت است. تنها با ایجاد پیوند میان فناوری، مدیریت و فرهنگ کیفیت می‌توان انتظار داشت که محصولات ایرانی در سطح منطقه‌ای و جهانی به رقابت موثر دست یابند. در مجموع می‌توان گفت، کشورهایی که بر نوآوری، آموزش،



بدون شرح



مینا جعفری

کارشناس اقتصادی

صنعت معدن ایران با بهره‌مندی از ذخایر معدنی به ارزش تقریبی ۳۷ تریلیون دلار، می‌بایست موتور محرک اقتصاد کشور باشد. با این حال، سهم ایران از تجارت جهانی مواد معدنی تنها ۰.۳ درصد است، در حالی که این رقم می‌بایست حداقل ۵ تا ۷ درصد باشد. این شکاف عمیق بین ظرفیت و عملکرد، نشان‌دهنده وجود مشکلات ساختاری عمیقی است که نیازمند بازنگری جدی می‌باشد. شرکت‌های بزرگ معدنی و صنعتی کشور از جمله گل‌گهر، چادرملو، سنگ‌آهن مرکزی ایران، مجتمع مس سرچشمه و مس سونگون، باوجود سرمایه‌گذاری‌های کلان، نتوانسته‌اند به سهم واقعی خود در بازارهای جهانی دست یابند.

ریشه این ناکامی در سیاست‌گذاری‌های کلان ناکارآمد، ساختار مالیاتی نادرست و فقدان زیرساخت‌های مناسب نهفته است.

بحرانی‌ترین چالش پیش‌روی صنعت معدن، سیاست مالیاتی نادرست و به‌ویژه نرخ بالای حق انتفاع دولت است. شرکت‌های معدنی علاوه بر مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش‌افزوده و عوارض محلی، درصد قابل توجهی از درآمد خود را به عنوان حق انتفاع پرداخت می‌کنند.

این ساختار چندگانه در شرایط نوسانات شدید قیمت‌های جهانی، افزایش هزینه انرژی و تحریم‌ها، سودآوری را به‌شدت کاهش می‌دهد.

دولت باید درک کند که حق انتفاع بالا یک سیاست کوتاه‌بینانه است که انگیزه سرمایه‌گذاری در اکتشاف، نوسازی تجهیزات و توسعه زنجیره ارزش‌افزوده را از بین می‌برد. بازنگری اساسی در نظام مالیاتی و کاهش حق انتفاع به میزانی سازگار با استانداردهای بین‌المللی، یک ضرورت انکارناپذیر است.

فقدان زیرساخت‌های حمل‌ونقل کارآمد، چالش دیگری است که رقابت‌پذیری را تضعیف می‌کند. هزینه حمل‌ونقل از معدن تا بندر گاهی تا ۳۰ درصد نرخ تمام‌شده را تشکیل می‌دهد. توسعه خطوط ریلی اختصاصی، بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای و مکانیزه کردن فرآیندهای بارگیری، می‌تواند هزینه‌ها را به‌طورقابل توجهی کاهش دهد.

دسترسی محدود به فناوری‌های روز دنیا نیز بهره‌وری را کاهش داده است. راهکار اساسی، سرمایه‌گذاری جدی در بومی‌سازی فناوری و ایجاد شهرک‌های تخصصی تولید تجهیزات معدنی است.

دولت باید با ارائه تسهیلات بلندمدت کم‌بهره و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، زمینه توسعه صنایع ماشین‌آلات معدنی را فراهم کند. فقدان زنجیره ارزش‌افزوده کامل، مشکل دیگری است که سود اصلی را به‌دست کشورهای واردکننده می‌سپارد. که سود اصلی را به‌دست کشورهای واردکننده می‌سپارد. توسعه صنایع پایین‌دستی مانند فولادسازی و تولید آلایزهای مس، سودآوری را چندین برابر کرده و اشتغال پایدار ایجاد می‌کند.

مدیریت منابع آب و انرژی نیز چالشی حیاتی است. سرمایه‌گذاری در سیستم‌های بازیافت آب و بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر، هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و پایداری زیست‌محیطی را تقویت می‌کند.

ضعف در بازاریابی و برندسازی محصولات معدنی نیز مانع جدی است. ایجاد نهاد ملی ترویج صادرات، حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی و استفاده از دیجیتال مارکتینگ، می‌تواند دید جهانی را بهبود بخشد. در حوزه منابع انسانی، ایجاد فرصت‌های برابر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه همه افراد صرف‌نظر از جنسیت، می‌تواند تنوع فکری و کارآیی را افزایش دهد. دولت باید نقش خود را از مداخله مستقیم به حمایت هوشمند تغییر دهد. ایجاد ثبات اقتصادی، شفافیت در قوانین، تسهیل فرآیندهای اداری و تدوین سند جامع توسعه صنعت معدن با افق ۲۰ساله، کلیدهای اصلی موفقیت هستند.

صنعت معدن ایران با اصلاحات ساختاری و مدیریت کارآمد، می‌تواند به قطب اصلی درآمدزایی و توسعه پایدار تبدیل شود.

چشم‌اندازی برای سرمایه‌گذاران هوشمند



فیروزه عسگری

تحلیلگر بازار سرمایه

صنعت لوازم‌خانگی در ایران یکی از حوزه‌های پرتقاضا و استراتژیک اقتصاد داخلی محسوب می‌شود. نیاز دائمی و مداوم خانوارها به محصولات اساسی و روزمره مانند یخچال، فریزر، ماشین لباسشویی، اجاق گاز، مایکروویو و سایر تجهیزات خانگی، جایگاه این صنعت را در سبد مصرفی خانواده‌ها تثبیت کرده است.

محدودیت‌های وارداتی و افزایش هزینه واردات کالاهای خارجی باعث شده است که تولیدکنندگان داخلی فرصت بیشتری برای توسعه بازار و افزایش سهم خود از فروش داخلی داشته باشند.

این شرایط باعث شده توجه سرمایه‌گذاران، به ویژه آن دسته از افرادی که به دنبال فرصت‌های رشد پایدار هستند، به سمت این صنعت جلب شود.

روند رشد فروش در این صنعت طی سال‌های اخیر نسبتاً مثبت بوده و شرکت‌های فعال توانسته‌اند درآمدهای عملیاتی خود را افزایش دهند. با این حال، فشارهای ناشی از افزایش هزینه مواد اولیه، نوسانات ارزی، افزایش نرخ حامل‌های انرژی و رقابت شدید در بازار باعث شده حاشیه سود خالص در برخی دوره‌ها کاهش یابد.

این واقعیت نشان می‌دهد که رشد سریع درآمدها و فروش با چالش‌های عملیاتی و اقتصادی همراه است و مدیریت دقیق هزینه‌ها و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و سودآوری این شرکت‌ها دارد.

علاوه بر فرصت‌های رشد، این صنعت با محدودیت‌ها و ریسک‌های خاصی نیز مواجه است. واردات قطعات و لوازم جانبی از خارج، نوسان نرخ مواد اولیه، افزایش نرخ انرژی و برق و همچنین رقابت با کالاهای کم‌کیفیت یا قاچاق، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که سرمایه‌گذاران باید در نظر داشته باشند.

همچنین ظرفیت تولید و شبکه توزیع در برخی مناطق کشور هنوز محدود است و می‌تواند مانع توسعه سریع و افزایش سهم بازار شرکت‌ها شود. این موضوع اهمیت بررسی دقیق زنجیره تأمین و توان عملیاتی تولیدکنندگان داخلی را برای سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد.

با وجود این محدودیت‌ها، تقاضای پایدار داخلی و امکان بهبود بهره‌وری و کیفیت محصولات، نشان می‌دهد که صنعت لوازم خانگی ایران می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت فراهم کند.

شرط اصلی این است که سرمایه‌گذاران به جای تمرکز صرف بر نوسانات کوتاه‌مدت، تحلیل دقیق وضعیت مالی و عملیاتی تولیدکنندگان و همچنین روند کلی بازار را مدنظر قرار دهند و ریسک‌های کلان اقتصادی و عملیاتی را در تصمیم‌گیری خود لحاظ کنند. بررسی دقیق رشد فروش، سودآوری، حاشیه سود، نقدشوندگی و توانایی شرکت‌ها در مدیریت هزینه‌ها، اطلاعات ارزشمندی برای تصمیم‌گیری درست فراهم می‌کند و ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌های کلان نیازمند بررسی دقیق رشد فروش، سودآوری، حاشیه سود، نقدشوندگی و توانایی شرکت‌های فعال در این صنعت را دارند، باید توانایی تحمل نوسانات کوتاه‌مدت و فشارهای اقتصادی و عملیاتی را داشته باشند.

نگاه بلندمدت و پایبندی به تحلیل‌های واقع‌بینانه، به آنها کمک می‌کند تا در دوره‌هایی که بازار با افت مواجه می‌شود یا فشار هزینه‌ای افزایش می‌یابد، تصمیمات منطقی بگیرند و از فرصت‌های رشد تدریجی بهره‌مند شوند.

به بیان دیگر، ادامه حضور در سهام این شرکت‌ها تا زمانی منطقی است که ریسک‌ها مدیریت شده و چشم‌انداز رشد صنعت مثبت باشد. خروج از بازار یا کاهش حجم سرمایه‌گذاری تنها زمانی باید در نظر گرفته شود که فشارهای اقتصادی یا عملیاتی به حدی برسد که سودآوری میان‌مدت و بلندمدت به خطر بیفتد.

در نهایت، صنعت لوازم‌خانگی ایران نمونه‌ای روشن از بازاری است که هم ظرفیت رشد دارد و هم با چالش‌های جدی روبه‌روست. سرمایه‌گذاری موفق در این صنعت نیازمند تحلیل دقیق، مدیریت ریسک، صبر و نگاه بلندمدت است.

سرمایه‌گذاری‌ای که با این اصول حرکت کند، می‌تواند از فرصت‌های سودآوری بهره‌مند شوند، حتی در شرایطی که بازار دچار نوسان یا فشار اقتصادی باشد.

با این حال، همیشه باید به یاد داشت که هیچ تضمینی برای سوددهی قطعی وجود ندارد و تمامی تصمیمات باید براساس تحلیل واقع‌بینانه و اطلاعات مالی دقیق انجام شود.

لازم به تأکید است که این تحلیل صرفاً به‌منظور بررسی وضعیت بازار و روند سرمایه‌گذاری در صنعت لوازم‌خانگی ارائه شده و تبلیغ یا توصیه‌ای برای خرید هیچ سهم یا کالایی وجود ندارد.